

گفت و گو با محمود گبرلو درباره شرایط فعلی تحلیل و نقد در سینمای ایران

# نقد دارد به سمت مافیای اقتصادی می‌رود

منتقدان بانگ‌ش تهیه کننده دست به قلم می‌شوند



**نگین خسروی:** «پنهان‌ها را رو کردن!» این جمله تفسیری قابل تأمل از «نقد» است. نقد مسأله‌ای است که این روزها در فضای مجازی و تریبون مدعیانش تبدیل به دکانی جهت سرکوب اعتراضات و احساسات شده‌است؛ گاهی تا حد اعلا تشویق و ترغیب و گاهی تا قعر و تخریب. این مسأله حساس یعنی نقد و منتقد در سینمای ایران گاهی معنی‌اش قلب شده‌است و حالا دیگر مدتی است در سرآشویی سقوط افتاده‌است. نقد جدی و بدون پشتوانه و حمایت کم ناپود شده‌است و افراد با وابستگی‌ها دست به قلم می‌شوند خواه این وابستگی، رفاقت باشد و خواه وابستگی مالی. در این باره با «محمود گبرلو»، منتقد، نویسنده و روزنامه‌نگار سینمایی به گفت‌وگو نشستیم که ماحصل آن را می‌خوانید.

**به نظر شما نقد در سینما و تلویزیون ایران در چه جایگاهی است؟ چقدر برای مخاطب حائز یا فاقد اهمیت است؟**

به نظر من در حال حاضر نقد تأثیری در تماشاگر ایرانی ندارد و درصد خیلی کمی از طرفداران سینمای ایران به سمت نقد گرایش دارند و کمتر از نقدهای منتقدین می‌آموزند، پیروی می‌کنند و یا شاید هم مطالعه‌ای در این باره داشته‌باشند. باید توجه شود که منظور از مخاطب و تماشاگر چه کسانی هستند؟ یک قشر محدودی اهل مطالعه و فیلم دیدن هستند و احتمالاً به سمت نقد فیلم گرایش پیدا و همچنین سعی می‌کنند در این زمینه مطالعه کنند اما با این حال درصد کمی از جامعه مخاطبان را تشکیل می‌دهند. همین تعدادی که الان به سینما می‌روند و نسبت به جمعیت ایران بسیار کم هستند؛ همین تعداد هم گاهی به نقد توجه می‌کنند. متأسفانه، برخلاف روال سال‌های قبل که مجلات سینمایی تأثیرگذار بودند و برخی روزنامه‌ها منتقدین ثابت داشتند الان به دلایل متعدد مخاطب علاقه‌ای به مطالعه نقد منتقدین ندارد.

**بله و شما فکر می‌کنید برای جذب نظر آنها مهم‌ترین مهارتی که یک منتقد باید داشته باشد چیست؟**

مهم‌ترین مهارتی که یک منتقد باید داشته‌باشد آگاهی و دانش سینمای روز جهان است که بر اساس آن بتواند اطلاعات مفیدی به تماشاگر منتقل کند. وقتی یک منتقد در فیلم دیدن کاهلی می‌کند یا جریان سینمای دنیا را دنبال نمی‌کند، نمی‌تواند در مورد سینمای ایران تحلیلی داشته‌باشد چون منتقدان و فیلم‌سازان ایرانی از لحاظ فکر و دانش فاصله بسیار زیادی با یکدیگر دارند. در حال حاضر فیلم‌سازان ما آبدیت و به روز هستند یعنی فیلم‌های خوب روز جهان را می‌بینند و فیلم‌سازان خوب جهانی را می‌شناسند، فرم فیلم‌سازی جهانی را مورد توجه قرار می‌دهند و در فیلم‌هایشان هم لحاظ می‌کنند، اما منتقدین به واسطه این فاصله فکری بین منتقد و فیلم‌ساز نمی‌توانند همراه او پیش بروند. من خیلی تأسف می‌خورم و تصورم این است که جریان منتقدان در حال شکست و نابودی است و دلیل عمده آن هم این است که منتقد از لحاظ فکر، دانش و آگاهی به تکنیک و تسلط به سینمای جهان، هم سطح فیلم‌ساز نیست. اتفاق بزرگی در جهان در حال وقوع است و آن هم فاصله گرفتن نسل جدیدی از فیلم‌سازان از ساختار کلاسیک گذشته است؛ یعنی سعی می‌کنند با الهام از درام قدرتمند گذشته، فرم و ساختار خود را بسیار مدرن و جدید ارائه دهند و اگر فیلم‌سازان و منتقدین این شناخت را نداشته‌باشند در نقد و تحلیل یک فیلم ضعف جدی دارند. من معتقدم در حال حاضر دیگر ما نمی‌توانیم کلمه منتقد را خیلی به کار ببریم و تصور کنیم منتقدین



اکنون هر کسی که مایل باشد می‌تواند قلم دست بگیرد و در فضای مجازی مطلب بنویسد و اسمش را نقد سینمایی نیز بگذارد. کسی نیست که به عنوان کارشناس و صاحب نظر تشخیص بدهد این نقد است یا خیر! آیین نامه‌ای در این زمینه نمی‌بینیم که نظارت و کنترل داشته باشد تا افراد سوء استفاده گر وارد این جریان نشوند

